

تجزیه و تحلیل گفتمان دادگاه براساس اصول همکاری گرایس از دیدگاه زبان‌شناسی حقوقی

فرنگیس عباس‌زاده^۱ (دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی)

بهمن گرجیان*^۲ (دانشیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آبادان)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۲، تاریخ انتشار: تابستان ۱۴۰۱

چکیده: این پژوهش به تجزیه و تحلیل گفتمان دادگاه حوادث تروریستی متهمان داعشی در حمله به مجلس شورای اسلامی و حرم مطهر امام خمینی (ره) ۱۷ خرداد ماه ۱۳۹۶، براساس اصول چهارگانه همکاری گرایس (۱۹۷۵) از دیدگاه زبان‌شناسی حقوقی پرداخته است. اصول همکاری در مکالمات دادگاه به اصول کیفیت، کمیت، ارتباط و شیوه/سبک دسته‌بندی شد. روش پژوهش به صورت توصیفی و تجزیه و تحلیل داده‌های آرشیو جلسات دادرسی دادگاه از برنامه ۳۰:۲۰ صداوسیما و درگاه آپارات جمع‌آوری شد. داده‌ها شامل ۵۰ فایل تصویری ۱۰ دقیقه‌ای از جریان دادرسی بود و به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. سپس جملات قضات، معاونان دادستان، خانواده شهدا و متهمان در اصول چهارگانه طبقه‌بندی شدند و موارد پیروی و تخطی از اصول همکاری گرایس شمارش و ضبط شد. نتایج نشان داد که پیروی از اصل کیفیت در پایین‌ترین حد خود نشان‌دهنده اطلاعات غلط و ضدونقیض در مکالمات طرفین بوده است. اصل ارتباط و شیوه/سبک از تخطی کمتری برخوردار بوده است که نشان می‌دهد قضات و متهمان در این خصوص کمتر دچار انحراف شده‌اند. در مجموع چنین می‌توان نتیجه گرفت که قضات، معاون دادستان و خانواده شهدا بیشتر از متهمان از اصول چهارگانه گرایس پیروی کرده‌اند که این پیروی بیشتر در اصل ارتباط بوده است و بالاترین تخطی مربوط به متهمان بوده که در اصل کمیت رخ داده است.

کلیدواژه‌ها: گرایس، اصول همکاری، تحلیل گفتمان، زبان‌شناسی حقوقی.

1. farangisabbaszadeh@gmail.com

*نویسنده مسئول

2. bahgorji@yahoo.com

۱ مقدمه

زبان به‌عنوان وسیله‌ای برای نمود معنی، نوعی فرآیند وابسته به کلام است. هرکدام از جملات بیان‌شده از اندیشه‌ای خاص نشأت می‌گیرند. فرهنگ محصول اجتماعی و تاریخی جوامع گفتمانی است که با زبان شکل می‌گیرد و همواره در حال تغییر بوده و تأثیر شگرفی بر قدرت و اعمال آن در کلام دارد. برحسب توجه به متن، جانسون^۱ و لینل^۲ (۱۹۹۱) معتقدند که قدرت نامتقارن و روابط سلسله‌مراتبی، ابتدا در گفت‌وگو و سپس در بستر نهادی و نهایتاً در متن گسترده‌تر اجتماعی متمرکز می‌شود. گفتمان دارای دستورالعملی ساختاری است که در ساختار و معنی بازنمود دارد و طی فرایندهای زبانی در محیط‌های^۳ خاص (مثلاً دادگاه) ساختار زبان تغییر می‌کند. طرز تلقی فرد از کلام براساس استفاده از فرایندهای دستوری و نحوی شکل می‌گیرد. ساختارهای زبانی باعث می‌شوند نوعی گفتمان خاص در محیطی خاص شکل گیرد. نظر برک سلیگسون^۴ (۲۰۰۲) این است که قدرت زبانی در دادگاه اساساً در دست وکلای دادگستری و قضات است و این قدرت از طریق بازجویی حاصل می‌شود. البته یک زبان‌شناس حقوقی موظف است اوضاع زبان را هم از نظر اخلاقی و هم حرفه‌ای به‌گونه‌ای که واقعاً هست، توصیف کند (عباس‌زاده، گرجیان و ویسی، ۱۳۹۹).

ارزش‌های اجتماعی، روابط بین‌فردی و تعاملات گفتاری در دادگاه را شکل و جهت می‌دهند که می‌توانند به‌صورت مثبت (به‌شکل همکاری و دوستی)، منفی (به‌شکل تقابل، کشمکش و مبارزه)، یا به‌صورت خنثی (پذیرش و انطباق) بروز کنند. «در ارتباطات بین‌فردی، شرکت‌کنندگان در مکالمات می‌بایست به‌منظور ایجاد ارتباطات خوب و کارآمد، با ممانعت از هرگونه سوءتفاهم و وجهه دیگران را بالا ببرند.» (ویدوسون^۵، ۱۱۰:۱۹۹۵). گرایس^۶ (۱۹۷۵) چگونگی ایجاد یک ارتباط خوب در مکالمه را کسب «وجهه»^۷ می‌داند که در آن فرد با انجام مکالمه مؤدبانه سعی در رعایت اصل ادب و ارزش اجتماعی مثبت دارد. در این امر، فرد با رعایت احترام به کسب وجهه و جلب احترام از سوی دیگران می‌پردازد و سعی در ایجاد یک ارتباط مؤثر دارد.

1. L. Jönsson

3. context

5. H. G. Widdowson

7. face

2. P. Linell

4. S. Berk-Seligson

6. H. P. Grice

یکی دیگر از فرآیندهای ارتباط مؤثر، آگاهی از معانی اولیه و ثانویه (غیرصریح)^۱ کلمات و عبارات است. واژگان^۲ درگفتمان، دارای جنبه‌های معنایی مختلف در موقعیت‌های کلامی گوناگون هستند. بنابراین در ارتباط مؤثر در یک مکالمه گویشوران باید به معانی اولیه و ثانویه کلمات دقت کنند. زیرا فهم گفتمان ازسوی گیرنده در ایجاد تفاهم مؤثر است و این امر از طریق دانش زبانی^۳ قابل کسب است. بنابراین، گویندگان تلاش می‌کنند برای ساختن متنی شاید کوتاه‌تر، جالب‌تر، مرتبط‌تر، هدفمندتر یا شخصی‌تر، ابزارها و قالب‌های زبانی هماهنگ با شنونده مناسب را پیدا کنند (پل شوزه و منصفی، ۱۳۹۹). به عبارت دیگر، معنای گفتار با درک شرایط و بافت موقعیتی در هنگام وقوع مکالمه به دست می‌آید. اصول همکاری^۴ گرایس در مکالمه بر این فرض استوار است که کاربران زبان به طور ضمنی موافقت خود را با انجام مشارکت‌های خود در بحث و گفتگو مطابق اصول مکالمه جهت توسعه آن اعلام می‌کنند.

اصول همکاری گفتمانی گرایس (۱۹۷۵) به چهار اصل ذکرشده در بالا اشاره دارد که افراد باید با رعایت آنها در تسهیل رابطه دوسویه گفتمانی کوشش می‌کنند. رعایت یا عدم رعایت (تخطی از) هرکدام از این اصول به موفقیت و عدم موفقیت در مکالمه منجر می‌شود (توماس، ۱۹۹۷). توماس، در تأیید نظریه گرایس، بر این باور است که یک گفتار، بنا به دلایلی ممکن است دارای لایه‌های مختلف معنایی باشد و گوینده با آگاهی یا ناآگاهی از رعایت این اصول در مکالمه مبادرت کند. ولی گرایس اعتقاد دارد موقعیت‌هایی وجود دارد که گوینده به طور هدفمند حداکثر تخطی^۵ از این اصول را انجام می‌دهد، به ویژه هنگامی که قصد دارد تا معنایی را به شنونده انتقال دهد که فراتر از معنای بیان شده باشد. نقض به عنوان عدم رعایت بی‌حد و حصر اصول مشارکت تعریف شده است. سرپیچی گوینده از اصول همکاری مانع شنونده برای یافتن مصادیق و معانی تلویحی است. در همین راستا، سارنگی^۶ و اسلم بروک^۷ (۱۹۹۲) مدعی هستند که عوامل

1. primary and secondary (implied) meaning
3. linguistic knowledge
5. Violation
7. S. Slembrouck

2. lexicon
4. Cooperative Principle
6. S. K. Sarangi

اجتماعی، همچون جایگاه اجتماعی افراد، باید به اصول گرایس اضافه شود تا تبادل اطلاعات دوجانبه و تعامل هدف‌محور بهتر صورت پذیرد.

از نظر براون^۱ و لوینسون^۲ (۱۹۷۶)، یکی از راه‌های نقض اصل ارتباط استفاده از دشواژه و تابو^۳ است. در مقابل، اسپربر^۴ (۱۹۸۴) و اسپربر و ویلسون^۵ (۱۹۹۵) معتقدند که اصل ارتباط هرگز نقض نمی‌شود و بر این باورند که ارتباط در مکالمه از طریق فرضیات نامرتبط حاصل می‌شود زیرا چنین رفتار و ابراز عقاید و نظرات به‌خودی‌خود روند پیوستگی و ارتباط را داراست. براون و لوینسون معتقدند که استراتژی‌های مختلف در مکالمات، باعث نقض اصول گرایس می‌شوند و «طعنه‌آمیز صحبت کردن» به‌عنوان یک راهبرد، اصل کیفیت را نقض می‌کند تا معانی ضمنی و تلویحی بیشتری در گفتار به کار برده شوند.

آلباجونز^۶ (۱۹۹۵) مطالعه گسترده‌ای پیرامون طنز و طعنه در کلام با پیروی از اصل ادب انجام داد تا این مقوله را از منظر کاربردشناسی و نقض اصول مشارکت، مورد بررسی قرار دهد. وی سه نوع طعنه و طنز کلامی مثبت (قصد ستایش) و منفی (قصد انتقاد) و بی طرف را پیشنهاد داد و به این نتیجه رسید که سخنان طعنه‌آمیز نه تنها می‌توانند اصل همکاری کیفیت را فاش کنند، بلکه سه اصل دیگر گرایس را نیز دربرمی‌گیرند. در بیشتر موارد، گوینده دو، سه یا حتی تمام اصول را همزمان نقض می‌کند. برخی گویشوران از طعنه کلامی به‌عنوان یک راهبرد غیرمستقیم بهره می‌برند، ولی چنین راهبردی از ابهام جلوگیری نمی‌کند. به‌خصوص اگر آنها با هدف انتقاد از کارگفت عذرخواهی استفاده کنند تا کنش تهدید وجهه را به حداقل برسانند یا از پذیرش مسئولیت خودداری کنند.

رضویان و جلیلی دوآب (۱۳۹۶) با تحلیل گفتار دو پرونده کلاهبرداری موجود در دادگستری استان سمنان، گفتار این متهمان را از مراحل نخست بازجویی تا بازپرسی و دادگاه از منظر زبان‌شناسی حقوقی، توصیف و تبیین کردند. یافته‌های پژوهش نشان داد که داشتن دانش زمینه‌ای و رعایت اصل ادب از ویژگی‌های اصلی و ثابت گفتار این گروه از مجرمان بوده است. ویژگی‌های

1. P. Brown
3. taboo
5. D. Wilson

2. S. C. Levinson
4. D. Sperber
6. L. Alba Juez

زبانی متهمان کلاهبرداری یک پیوستار را تشکیل می‌دهد که متهم با توجه به بافت موقعیتی و پیچیدگی نوع کلاهبرداری، طیف‌های متناسب با بافت موقعیت را از این پیوستار در جهت یک دفاع مطلوب برگزیده و به‌کار می‌برد. متهمان کلاهبرداری از این دو اصل هم در مقابل مراجع قضایی استفاده می‌کنند و هم در مقابل قربانیان کلاهبرداری. متغیرهای دیگری که متهمان کلاهبرداری در دفاعیات خود در دادگاه به‌کار می‌برند، عبارت‌اند از: ارجاعات مبهم، اصل توجیه‌کردن (ارجاع به یک واقعیت برای پنهان‌سازی دروغ یا اصل برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی)، قطعیت (جهت اطمینان‌بخشی و رفع شک مراجع قضایی) و عدم قطعیت در کلام (عبارات احتیاط‌آمیز در جهت رعایت اصل کیفیت در کلام). علاوه بر داشتن دانش زمینه‌ای در حوزه مورد نظر کلاهبرداری و رعایت اصل ادب در مقابل قربانیان، متهمان کلاهبرداری از شگردهایی از قبیل امیدواری دادن، عملکرد دلسوزانه، سوءاستفاده از اعتقادات مذهبی و حس انسان‌دوستانه افراد در حین متقاعدسازی مخاطب حین ارتکاب کلاهبرداری استفاده می‌کنند.

سبحانی^۱ و ثقفی^۲ (۲۰۱۴)، روش‌های جدید درک نگرش غیر مشارکتی گویشوران و نقض اصول همکاری در جلسه مشاوره روان‌شناختی ایران را از طریق مکالمات ضبط‌شده بین یک روان‌درمانگر مرد و بیمارانش در جلسات درمانی مورد بررسی قرار دادند. آنها، پس از تجزیه و تحلیل زبان آنها برحسب معنای ضمنی مکالمه‌ای و نقض اصول همکاری، نتیجه گرفتند که تشخیص معنای تلویحی در مکالمه برای درک نگرش غیر مشارکتی ضروری است. علاوه بر این، واضح بود که پیامی که افراد قصد انتقال آن را دارند کاملاً در کلماتی که از آنها استفاده می‌کنند بازتاب نمی‌شود، بلکه به این بستگی دارد که شنوندگان چگونه پیام را تفسیر می‌کنند و معنای دلالتی آن را می‌یابند. در پایان، یافته‌ها حاکی از آن است که زمانی که هدف از ارتباط، سوءتفاهمات عمدی در بافت موقعیتی پیچیده است، نقض اصول گرایش هدفمند و برنامه‌ریزی شده است.

یافته‌های محمدزادگان خویی و بهنام (۲۰۱۴) و سبالوس^۳ و سوساس^۴ (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که پیروی یا عدم پیروی از اصل همکاری گفتمان در دادگاه‌ها در فرآیند دادرسی تأثیرگذار است. بنابراین در محاکم قضایی، شرایط ایجاب می‌کند که قضات، وکلا، نماینده دادستان، شاهدان و

1. A. Sobhani
3. C. T. Ceballos

2. S. Saghefi
4. R. V. Sosas

متهمان با آگاهی از فرآیند اصول همکاری در مکالمات دادگاه امکان برقراری ارتباط مؤثر و کارآمد را به‌شيوه‌ای منظم فراهم کنند. در همین راستا، نتایج تحقیقات انجام‌شده توسط عباس‌زاده، گرجیان و ویسی (۱۳۹۹) نشان داد که همیشه رابطه‌ای از پیش تعیین‌شده بین معنای تلویحی و قصد گوینده جمله وجود دارد، که توسط اعضای جامعه زبانی مستقیم یا غیرمستقیم درک می‌شود و آن را «مناسب» یا «قابل فهم» می‌کند تا بهتر بتوانند از معنای گزاره‌ای جمله برداشت مثبت داشته باشند. در مورد اصل کمیت، گزاره ضمنی انکار یک گزاره قوی‌تر است. در مورد اصل پیوستگی، گزاره‌های ضمنی مستلزم پیوستگی هستند. در مورد اصل ارتباط، گزاره دلالت‌شده توسط گزاره بیان‌شده متناقض است. در مورد طنز، گزاره ضمنی مستلزم انکار گزاره است. برای استعاره‌ها، بین گزاره‌ها شباهت وجود دارد. در همان‌گویی هر دو گزاره در مورد موضوع یکسان و بافت شناخته‌شده و تغییرناپذیر هستند و این اصل برای کارگفت غیرمستقیم نیز صادق است. هنگامی که یک درخواست را به‌صورت غیرمستقیم مطرح می‌کنیم، معمولاً این کار را با اظهار یا پرسش که سرل^۱ (۱۹۷۵) «شرایط مقتضی» می‌نامد انجام می‌دهیم. از دیدگاه وی، شرایط مقتضی شامل شرایط مقدماتی، گزاره‌ای، صمیمیت و بنیادی است.

۲ چهارچوب نظری تحقیق

زبان‌شناسی حقوقی^۲ شاخه‌ای از زبان‌شناسی کاربردی^۳ است که به بررسی روابط کلام و حقوق می‌پردازد (مک‌منامین^۴، ۲۰۰۲) و اینکه زبان قانون به‌عنوان یک ژانر^۵ (نوع ادبی) چه زبانی است و از لحاظ ساختاری (نحوی)، آوایی، واژی و معنایی چگونه در مکالمات دادگاه یا متون حقوقی مکتوب بازنمون دارد (عباس‌زاده، گرجیان و ویسی، ۱۳۹۹). این رشته مدت زیادی نیست که جایگاه خود را در ایران پیدا کرده ولی به‌سرعت در حال گسترش است. در بسیاری از کنکاش‌های دادگاهی در رمزگشایی نشانگرهای سبکی^۶ یا ساختاری^۷ کلامی یا نوشتاری نقش ایفا می‌کنند و با کشف روابط به تشخیص هویت نویسنده یا گوینده، کپی یا جعل می‌پردازند.

1. J. Searle
3. Applied Linguistics
5. genre
7. linguistic markers

2. Forensic Linguistics
4. G. R. McMenamin
6. stylistic markers

در هر گفتمان، چهار اصل به نام «اصول همکاری» وجود دارد که ابتدا توسط گرایس مطرح شد. از نظر گرایس (۱۹۷۵)، هر ارتباط مؤثر نیازمند تعامل و همکاری گوینده و شنونده یا نویسنده و خواننده است. به عبارت دیگر، افراد درگیر در ارتباطات به طور مستمر با یکدیگر همکاری می‌کنند تا پیام را رمزگشایی^۱ کنند. اگر این قانون شکسته شود، ارتباطات با نقص مواجه می‌شوند یا قطع ارتباط صورت می‌گیرد. بنابراین، در اصل همکاری، فرض بر این است که همکاری در مکالمه برای داشتن یک ارتباط جامع دارای قوانینی است که باید از آنها پیروی شود. به هرکدام از این قوانین «اصل همکاری» می‌گویند که در آن افراد برای تحقق اهداف خود در هر مرحله از مکالمه مشارکت دارند. برای رعایت اصالت اطلاعات، میزان، اهمیت و نحوه ارائه آنها در هر نوبت‌گیری در مکالمه، این اصول باید رعایت شوند. اصول همکاری چگونگی دستیابی به ارتباط مؤثر در مکالمه در موقعیت‌های اجتماعی مشترک را توصیف می‌کند. در هر گفتمان هدفمند، تبادل اطلاعات و ارتباطات مؤثر بین گوینده و مخاطب نیازمند مشارکت دو طرف طبق اصول زیر است:

- ۱- اصل کمیت: «در حد نیاز اطلاعات بدهید.» «در مکالمات خود اطلاعات بیش از آنچه که مورد نیاز است، به مخاطب انتقال ندهید.»
- ۲- اصل کیفیت: «در مکالمه صادق باشید.» «اظهارات نادرست را در گفتار بیان نکنید.» «در مورد چیزی که در مورد آن شواهد کافی ندارید، صحبت نکنید.»
- ۳- اصل ارتباط/وابستگی: «گفتار قبل و بعد شما با هم مرتبط باشد.»
- ۴- اصل شیوه/سبک: «گفتار شما واضح باشد.» «در سخنان شما ابهامی وجود نداشته باشد.»

به‌باور گرایس، برخی از معانی تلویحی به رعایت یا عدم رعایت اصول همکاری بستگی دارد. این مورد زمانی اتفاق می‌افتد که گوینده به‌عنوان یک طرف شرکت‌کننده در مکالمه، به‌وضوح از اصل اصولی در مکالمه، برخلاف فرض شنونده، پیروی نکند. تصور می‌شود که طعنه، کنایه و استعاره به فاش کردن اصل همکاری کیفیت بستگی دارد. به‌عنوان مثال، اگر قاضی یا بازپرس به متهم بگوید «شب حادثه کجا بودید؟» و متهم پاسخ دهد «شب حادثه در خانه نبودم.» این پاسخ هرچند ظاهراً درست است ولی از نظر اصول همکاری گرایس اصل «ارتباط» را نقض کرده و متهم خواسته است که از جواب ظفره برود و در عین حال پاسخ درستی هم داده باشد. پاسخ ظاهراً

درست ربطی به سؤال مذکور ندارد زیرا متهم مستقیماً نام محلی را که در آن بوده بیان نکرده است. جیا^۱ (۲۰۰۸) معتقد است که «نقض کردن اصل مشارکت» بدین معناست که یک یا چند اصل همکاری در فرایند مکالمه رعایت نشود. بنابراین گفتمان در محاکم قضایی بار معنایی مهم‌تری نسبت به محیط‌های زبانی دیگر دارد. زیرا مسائل حساس تفهیم اتهام، دفاع مشروع، قبول اتهام یا فرجام‌خواهی در دستور کار دادرسی قرار دارد و علم کلام در دادگاه‌ها می‌تواند سرنوشت فرد را تعیین کند و او را در جهت قبول یا رد اتهام سوق دهد.

هنگامی که شنونده و گوینده در دادگاه مکالمه می‌کنند، انتظار می‌رود که به چهار اصل همکاری پایبند باشند. اما وقتی گوینده متوجه می‌شود که شنونده از این اصول پیروی نمی‌کند، باید برای استنباط معنای واقعی تلاش بیشتری کند (دیویس^۲، ۲۰۰۷). دلایل زیادی وجود دارد که باعث می‌شود گویشوران در زندگی روزمره از رعایت اصول مشارکت خودداری کنند. برای مثال، به هنگام کتمان حقایق، سردرگم کردن مسئولان قضا، عصبی بودن، نگرانی و نداشتن دانش کافی پیرامون فرهنگ موردنظر، قادر به برقراری ارتباط واضح و روشن نیستند، یا عمداً می‌خواهند اطلاعات غلط بدهند (دیویس^۳، ۱۹۹۶؛ توماس^۴، ۱۹۹۷). از طرف دیگر، شنوندگان نیز در حین برقراری ارتباط مسئولیت دارند زیرا ممکن است نتوانند آنچه را که گویندگان قصد انتقال آن را دارند درست درک کنند (چرچیا^۵ و مک کانل گینت^۶، ۱۹۹۰؛ گامپرز^۷، ۱۹۸۲). گرایس اصل «ارتباط مشارکتی» را در بحث در مورد تفاوت‌های تحلیلی بین آنچه مستقیماً گفته می‌شود و آنچه تلویحاً در نظر گرفته می‌شود، معرفی کرد. اگر «تبادل اطلاعات در گفتگو» با موفقیت انجام شود، دو طرف مکالمه باید اصول مشتق‌شده آن یعنی اصول کیفیت، کمیت، ارتباط و شیوه/سبک را در نظر بگیرند (کاتریل^۸، ۲۰۰۲). در مدل گرایس فرض بر این است که اصلی‌ترین هدف در تبادل گفتگو، انتقال عقاید و نظرات گوینده با هدفی خاص به شنونده است.

مقاله حاضر با هدف ارائه مروری جامع در مورد نظریه گرایس، تجزیه و تحلیل انواع اصول رعایت‌شده و نقض‌شده در تعاملات اجتماعی در گفتمان دادگاه، یافتن بیشترین بسامد پیروی یا

1. L. I. Jia

3. T. Davis

5. G. Chierchia

7. J. Gumpers

2. B. L. Davies

4. J. Thomas

6. S. McConnell-Ginet

8. J. Cotterill

سرپیچی از این اصول و دلیل آن انجام شده است. اصول همکاری در گفتمان، چگونگی قواعد مکالمه و رعایت آنها را با در نظر گرفتن اصول چهارگانه کیفیت، کمیت، ارتباط و شیوه (سبک) را به‌عنوان عوامل مؤثر بر فهم متقابل فرستنده و گیرنده بر می‌شمرد. همچنین قواعد مکالمه و چگونگی رعایت/نقض آنها یکی از ابزارهای زبانی برای تشریح ویژگی شخصیتی افراد، نحوه تفکر آنها و تعاملاتشان با یکدیگر، در موقعیت خاص است. گرایس برای درک معنای غیرمستقیم^۱، علاوه بر معنای قراردادی کلمات به همراه اصول همکاری و قواعد مکالمه، به بافت زبانی و غیرزبانی گفتار، دانش زمینه‌ای و آگاهی افراد از این فرضیات مشترک اشاره می‌کند. پژوهش حاضر به‌منظور پاسخ به سؤالات زیر در ارتباط با گفتمان دادگاه متهمان حمله به مجلس شورای اسلامی و حرم مطهر امام خمینی (ره) براساس طبقه‌بندی اصول همکاری گرایس (۱۹۷۵) انجام شده است:

۱- تا چه اندازه قاضی، معاون دادستان، خانواده‌شهدا و متهمان در گفتمان حقوقی از اصول همکاری گرایس پیروی یا تخلف کرده‌اند؟

۲- چگونه تخلف از یک یا چند اصل همکاری گرایس در مکالمه قاضی، معاون دادستان، خانواده‌شهدا و متهمان در فرایند گفتمان حقوقی آشکار می‌شود؟

۳ روش پژوهش

پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی - توصیفی برای کشف میزان پیروی یا سرپیچی از اصول همکاری گرایس (۱۹۷۵) در گفتمان حقوقی دادگاه‌های کیفری است. داده‌های این مطالعه از جلسات مختلف دفاعیه دادگاه متهمان داعشی حمله به مجلس شورای اسلامی و حرم مطهر امام خمینی (ره) جمع‌آوری شده است. این حمله در ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ (۷ ژوئن ۲۰۱۷ میلادی) در تهران رخ داد و فردی مسلح در حرم امام خمینی (ره) با اقدام به تیراندازی چند تن را مجروح و سپس خود را منفجر کرد. در این رابطه ۸ نفر از عوامل داعشی دستگیر شدند (خبرگزاری باشگاه پژوهشگران جوان، ۱۷ خرداد ۱۳۹۶). پس از نگارش مکالمات و طبقه‌بندی آنها در واحد جمله برای هر یک از حاضران دادگاه، داده‌ها تجزیه و تحلیل شد. نمونه آماری از داده‌های جمع‌آوری شده به‌صورت روش تصادفی ساده انتخاب شد. روایی داده‌ها که توسط دو محقق زبان‌شناس در خصوص صحت نگارش مکالمات، میزان توافق دو محقق و تعداد جملات در این امر تأیید شد، ۹۵ درصد بود. سپس داده‌ها از نظر آماری تجزیه و تحلیل شد و در چهار مقوله گفتمان قاضی، نماینده دادستان،

خانواده شهدا و متهمان دسته‌بندی شد.

۳-۱ جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

جمع‌آوری داده‌ها از ۵۰ فایل تصویری ۱۰ دقیقه‌ای از برنامه ۳۰:۲۰ صداوسیما و در درگاه آپارات جمع‌آوری شد و پس از نگارش مکالمات و تعیین روایی آنها از نظر نگارشی، بسامد پیروی یا تخطی از اصول چهارگانه گرایس در مکالمات چهار گروه از افراد انجام و با یکدیگر مقایسه شد. نمونه‌ای از تجزیه و تحلیل گفتمان این افراد در جریان دادرسی با توجه به دسته‌بندی اصول همکاری در بخش زیر آمده است.

الف. نخستین دادگاه متهمان داعشی حمله تروریستی به مجلس شورای اسلامی و حرم مطهر امام خمینی (ره)

نماینده دادستان: متهم در این خصوص ابراز می‌دارد، سرباز می‌گفت داعش خلافت اسلامی است. وظیفه هر مسلمان این است که خودش را به این خلافت برساند (پیروی از اصل شیوه/سبک).
نماینده دادستان: نامبرده ۲۰ هزار دلار از امیر تیم دریافت کرده است که ۱۵ هزار دلار آن کشف گردیده (پیروی از اصل شیوه/سبک) - (پیروی از اصل ارتباط)، دوربین دید در شب، ۳ گوشی تجهیز شده از راه دور در عملیات انتحاری (پیروی از اصل کمیت). در بین مسیر به من گفت که خانه ملا... کجاست؟ پرسیدم به ملا... چکار داری؟ گفت به من مأموریت دادند که ملا... را ترور نمایم. مخالف ماست (پیروی از اصل کمیت). سال ۹۴ از کشور خارج و به داعش می‌پیوندد و در سال ۱۳۹۶ به همراه تروریستی به صورت غیرمجاز، در حالی که سلاح و مهمات جنگی به همراه داشته و کمربند انتحاری به خود بسته است. به کشور وارد می‌شود (پیروی از اصل کمیت).
متهم: من روحم هم خبر نداشت (پیروی از اصل کیفیت). ندونستم. خبر نداشتم (پیروی از اصل کیفیت). والا-با کسی دشمنی نداشتم والا-با کسی دشمنی نداشتم (تخطی از اصل کمیت).
همسر یکی از شهدا فریاد می‌زند: شوهر من کشاورزی بود. بچه کشاورز بود (تخطی از اصل کمیت).

دختری یکی از شهدا: اینجا سرزمین ماست. پدر من جانباز ۷-۸ سال دفاع مقدس بوده. برای این خاک، برای آبروی این خاک، برای ناموس این خاک، برای ذره‌ذره این خاک خون‌ها ریخته شده. ما هم تقاضای اشد مجازات برای همه متهمان این پرونده را داریم (تخطی از اصل کمیت)، (پیروی از

اصل ارتباط).

برادر یکی از شهدا: برادر من نزدیک ۱۷-۱۸ تا تیر تو بدنش بود. امنیت تو کشور به هم بخوره و کل جامعه و کل کشور به هم می‌خوره. مسئولین نباید این مسائل رو سهو ببینن. باید باهش برخورد بشه که دیگه از این اتفاقات نیفته. درخواستی که ما خونواده شهدا از این دادگاه و این جلسه داریم، اینه که برای متهمانی که اینجا هستند، اشد مجازات در نظر گرفته بشه. چون اگه اینا پشتیبانی نمی‌کردن، این حادثه اصن اتفاق نمی‌افتاد (تخطی از اصل کمیت)، (پیروی از اصل ارتباط).

آقای رئیس هنوز مادر من گریه می‌کنه. هنوز پدر من شب گریه می‌کنه. این خونواده شهدا هنوز دارن گریه می‌کنن (تخطی از اصل کمیت).

قاضی: پرونده دارای ۲۶ نفر متهمه. در مرحله اول، ۸ نفر اول کیفرخواست مورد محاکمه قرار می‌گیرند (پیروی از اصل شیوه/سبک).

ب. چهارمین دادگاه متهمان داعشی حمله تروریستی به مجلس شورای اسلامی و حرم مطهر امام خمینی (ره)

قاضی صلواتی: بفرما (پیروی از اصل کمیت). به نظر دادگاه، اگر اقدامات شما نبود، عملیات تروریستی مجلس شورای اسلامی انجام نمی‌شد (پیروی از اصل کمیت). شما پیشنهاد عملیات انتحاری رو در حرم مطهر امام رضا دادی (پیروی از اصل شیوه/سبک). شما مسئول باشگاه ورزشی بودی یا مسئول جابه‌جایی تروریست‌های داعش (تخطی از اصل کمیت).

متهم ردیف سوم: خوب، من، اصلاً به هیچ وجه نمی‌دونستم من که اینا داعش (پیروی از اصل ارتباط).

قاضی صلواتی: ایا. شما اول کمربندهای انتحاری رو دیدی. (تخطی از اصل شیوه/سبک). بعضی از متهمین به حرف‌های تو می‌خندن (پیروی از اصل کمیت).

یکی از متهمین: صداقت خودش رو نبرد (تخطی از اصل شیوه/سبک). صادق نبود تو حرف‌هاش (پیروی از اصل ارتباط).

متهم ردیف سوم: اصلاً. اصلاً (تخطی از اصل کیفیت). من. اصلاً داعشی وحشی بودن. داعشی رو انسان نمی‌دونم (تخطی از اصل کمیت).

متهم دیگر: حرف‌هاش متناقض بود و مشکل داشت. باید تسلیم قانون بشیم (پیروی از اصل ارتباط).

قاضی صلواتی: بازجویی‌های خودت در وزارت اطلاعات و دادسرا رو قبول داری؟

متهم ردیف سوم: قبول دارم ولی چیزهایی که من نکردم (پیروی از اصل ارتباط).

قاضی صلواتی: آگه قبول داری که مشکلی با هم نداریم (پیروی از اصل ارتباط).
 متهم ردیف سوم: من گول خوردم. گول خوردم (عدم پیروی از اصل ارتباط).
 قاضی صلواتی: خوب، آگه گول خوردی، بیا صادقانه تو دادگاه ثابت کن (پیروی از اصل ارتباط).
 متهم ردیف سوم: من گول خوردم. گول خوردم (پیروی از اصل ارتباط).
 همسریکی از شهدا: پسر من هنوز میگه بابا کو؟
 برادریکی از شهدا: این همه مدافع حرم میرن تو سوریه. خوب آگه اونا نبودن که قتل عام می‌کردن
 این کشور رو آگه نیروی انتظامی و اینا نبود.

۴ بحث و تحلیل

تجزیه و تحلیل آماری نمونه‌های گفتاری در تعاملات حقوقی دادگاه حاکی از آن است که پیروی یا تخطی از اصول همکاری به‌طور عمد صورت می‌گیرد تا افراد توانش ارتباطی خود را در گفتمان به بهترین شکل نشان دهند. در بخش زیر آمار توصیفی داده‌های مورد نظر ارائه می‌شود:

جدول ۱- گفتمان دادگاه حمله به مجلس شورای اسلامی و حرم مطهر امام خمینی (ره) براساس طبقه‌بندی اصول همکاری گرایس (۱۹۷۵)

فراوانی تخطی از اصول همکاری				فراوانی پیروی از اصول همکاری				جلسات دفاعیه/محاكمه	اصول همکاری در مکالمه
متهان	خانواده شهدا	معاونان دادستان	قاضی	متهان	خانواده شهدا	معاونان دادستان	قاضی		
۱۳	۰	۱۴	۱۱	۱۱	۰	۱۵	۱۶	اولین جلسه	اصل کمیت
۰	۱۱	۱۲	۱۱	۰	۰	۱۴	۲۱	دومین جلسه	
۱۵	۱۶	۰	۱۵	۰	۱۸	۲۱	۱۳	سومین جلسه	
۱۱	۱۱	۰	۱۳	۰	۰	۰	۱۵	چهارمین جلسه	
۰	۰	۰	۰	۱۲	۰	۰	۱۱	پنجمین جلسه	
۱۸	۱۲	۰	۱۳	۱۲	۱۴	۱۳	۱۲	آخرین جلسه	
فراوانی وقوع اصل کمیت در مکالمه				فراوانی وقوع اصل کمیت در مکالمه				۸۸	
۵۷	۵۰	۲۶	۶۸	۳۵	۳۲	۶۳	۸۸		
۲۸/۳۵	۲۴/۸۷	۱۲/۹۴	۳۳/۷۴	۱۶/۰۶	۳۸/۱۶	۲۸/۸۹	۴۰/۳۰		
مجموع فراوانی				مجموع فراوانی				۲۰۱	۲۱۸
درصد مجموع فراوانی				درصد مجموع فراوانی				۴۷/۹۷	۵۲/۰۳
اصل کیفیت				اصل کیفیت				اولین جلسه	۲

۱	۰	۰	۰	۳	۰	۰	۰	دومین جلسه	
۵	۰	۰	۰	۴	۰	۰	۰	سومین جلسه	
۳	۰	۰	۰	۳	۰	۰	۰	چهارمین جلسه	
۳	۰	۰	۰	۶	۰	۰	۰	پنجمین جلسه	
۴	۰	۰	۰	۵	۰	۰	۰	آخرین جلسه	
۱۸	۰	۰	۰	۲۳	۰	۰	۰	فراوانی وقوع اصل کیفیت در مکالمه	
۴۳/۹	۰	۰	۰	۵۶/۰۹	۰	۰	۰	درصد فراوانی وقوع اصل کیفیت در مکالمه	
۱۸				۲۳				مجموع فراوانی	
۴۳/۹۰				۵۶/۱۰				درصد مجموع فراوانی	
۱۸	۰	۰	۰	۱۱	۰	۱۷	۱۶	اولین جلسه	اصل ارتباط /پیوستگی
۱۴	۰	۰	۰	۱۲	۱۲	۱۸	۱۹	دومین جلسه	
۱۴	۰	۰	۰	۱۱	۱۱	۱۳	۱۱	سومین جلسه	
۱۳	۰	۰	۰	۱۱	۱۳	۱۴	۲۰	چهارمین جلسه	
۱۵	۰	۰	۰	۱۱	۱۲	۱۶	۱۸	پنجمین جلسه	
۱۱	۰	۰	۰	۱۴	۱۱	۱۲	۱۵	آخرین جلسه	
۸۵	۰	۰	۰	۷۰	۵۹	۱۰۰	۹۹	فراوانی وقوع اصل ارتباط در مکالمه	
۱۱	۰	۰	۰	۲۴/۱۱	۱۷/۹۶	۲۵/۵۱	۱۱/۴	درصد فراوانی وقوع اصل ارتباط در مکالمه	
۸۵				۳۲۸				مجموع فراوانی	
۲۰/۵۸				۷۹/۴۲				درصد مجموع فراوانی	
۱۳	۷	۳	۱	۱۱	۰	۱۸	۱۶	اولین جلسه	اصل شیوه /اسبک
۲۷	۰	۰	۰	۰	۰	۱۸	۱۹	دومین جلسه	
۱۵	۰	۹	۴	۰	۱۴	۱۷	۲۰	سومین جلسه	
۲۰	۰	۰	۰	۱۳	۱۲	۱۹	۱۴	چهارمین جلسه	
۱۹	۴	۲	۰	۱۳	۰	۱۱	۲۲	پنجمین جلسه	
۳۳	۰	۰	۵	۰	۰	۱۹	۱۵	آخرین جلسه	
۷۷	۱۱	۱۴	۱۰	۳۷	۲۶	۱۰۲	۱۰۶	فراوانی اصل شیوه/اسبک همکاری در مکالمه	
۵۸/۷۱	۹/۸۲	۱۲/۵	۸/۹۲	۱۳/۶۵	۹/۵۹	۳۷/۳۹	۱۷/۱۱	درصد فراوانی اصل شیوه/اسبک در مکالمه	
۱۱۲				۲۷۱				مجموع فراوانی	
۲۹/۲۵				۷۰/۷۵				درصد مجموع فراوانی	

جدول شماره یک تجزیه و تحلیل داده‌های آماری مربوط به کاربرد اصول همکاری گرایس (۱۹۷۵) را در گفتمان حقوقی قاضی، معاون دادستان، خانواده‌شهدا و متهمان داعشی حمله به مجلس شورای اسلامی و حرم مطهر امام خمینی (ره) نشان می‌دهد که در مجموع ۱۲۵۶ پیروی و تخطی از اصول مشارکت گرایس انجام شد که ۸۴۰ مورد (۶۶/۷۸٪) مربوط به پیروی و ۴۱۶ مورد (۳۳/۱۲٪) مربوط به سرپیچی از این اصول است. تعداد فراوانی و درصد پیروی از اصل کمیت برای قاضی ۸۸ مورد (۴۰/۳٪)، معاون دادستان ۶۳ مورد (۲۸/۸۹٪)، خانواده‌شهدا ۳۲ مورد (۱۴/۹۷٪) و متهمان ۳۵ مورد (۱۶/۵٪) است. این در حالی است که تعداد فراوانی و درصد تخطی از اصل کمیت برای قاضی ۶۸ مورد (۳۳/۸۳٪)، معاون دادستان ۲۶ مورد (۱۲/۹۳٪)، خانواده‌شهدا ۵۰ مورد (۲۴/۸۷٪) و متهمان ۵۷ مورد (۲۸/۳۵٪) برآورد شده است. بالاترین میزان فراوانی پیروی و تخطی از اصل کمیت، برای قضات و پایین‌ترین میزان پیروی از این اصل برای خانواده‌شهدا و کمترین فراوانی وقوع تخطی از اصل مورد نظر برای معاون دادستان مشاهده شده است. آمار مربوطه نشان می‌دهد که برخلاف قضات که پیروی از اصل کمیت را بیشتر از تخطی مد نظر داشته‌اند، متهمان ۵۷ مورد (۲۸/۳۵٪) سرپیچی و ۳۵ مورد (۱۶/۵٪) پیروی داشته‌اند. فراوانی وقوع پیروی از اصل کمیت ۲۱۸ مورد (۵۲/۲٪) و تخطی از آن ۲۰۱ مورد (۴۷/۹۷٪) گزارش شده است.

پیروی و تخطی از اصل کیفیت، رعایت و سرپیچی از این اصل فقط برای متهمان با بسامد ۲۳ (۲/۷۳٪) و ۱۸ (۴/۳۲٪) ملاحظه شد. در مجموع فراوانی این دو ۴۱ مورد (۳/۲۶٪) بوده است. در ارتباط با قاضی، معاون دادستان و خانواده‌شهدا هم پیروی و هم تخطی از این اصل مشاهده نشد. با توجه به رعایت اصل ارتباط در مکالمه باید خاطر نشان کرد که میزان فراوانی و درصد پیروی از اصل ارتباط برای قاضی ۹۹ مورد (۳۰/۱۸٪)، معاون دادستان ۱۰۰ مورد (۳۰/۴۸٪)، خانواده‌شهدا ۵۹ مورد (۱۷/۹۸٪) و متهمان ۷۰ مورد (۲۱/۳۴٪) است که بیشترین مورد مربوط به نماینده دادستان و کمترین مربوط به خانواده‌شهدا بوده است. این در حالی است که تعداد فراوانی و درصد تخطی از اصل ارتباط فقط برای متهمان با بسامد ۸۵ مورد برآورد شده است. میزان کل فراوانی پیروی و تخطی از اصل ارتباط، به ترتیب ۳۲۸ (۷۹/۴۲٪) و ۸۵ (۲۰/۵۸٪) مشاهده شد. برای قاضی، نماینده دادستان و خانواده‌شهدا، هیچ‌گونه تخطی از اصل ارتباط ملاحظه نشد.

در ارتباط با پیروی از اصل شیوه/سبک در مکالمه باید خاطر نشان کرد که میزان فراوانی و درصد پیروی از اصل شیوه/سبک برای قاضی ۱۰۶ مورد (۳۹/۱۱٪)، معاون دادستان ۱۰۲ مورد (۳۷/۶۳٪) و خانواده‌شهدا ۲۶ مورد (۹/۵۹٪) و متهمان ۳۷ مورد (۱۳/۶۵٪) است. در این اصل بیشترین

مورد مربوط به قاضی و کمترین مربوط به خانواده شهدا بوده است. تعداد فراوانی و درصد تخطی از اصل شیوه/سبک برای قاضی ۱۰ مورد (۸/۹۲٪)، نماینده دادستان ۱۴ مورد (۱۲/۵٪)، خانواده شهدا ۱۱ مورد (۹/۸۲٪) و متهمان ۷۷ مورد (۶۸/۷۵٪) بوده است که بیشترین مقدار فراوانی را به خود اختصاص داده است. پایین‌ترین تعداد فراوانی تخطی از این اصل برای قضات مشاهده شد. فراوانی کل پیروی از اصل شیوه/سبک ۲۷۱ (۷۰/۷۵٪) و تخطی از آن ۱۱۲ (۲۹/۲۵٪) بوده است.

جدول ۲- پیروی از اصول همکاری گرایس (۱۹۷۵) در گفتمان دادگاه حمله به مجلس شورای اسلامی و حرم مطهر امام خمینی (ره)

اصول همکاری	مجموع	اصل کمیت	اصل کیفیت	اصل ارتباط	اصل شیوه/سبک
پیروی از اصول	فراوانی ۸۴۰	۲۱۸	۲۳	۳۲۸	۲۷۱
همکاری گرایس	درصد ۱۰۰	۲۵/۹۶	۲/۷۳	۳۹/۰۵	۳۲/۲۶

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد در پیروی از اصل ارتباط بالاترین بسامد ۳۲۸ مورد (۳۹/۰۵٪) و پایین‌ترین بسامد ۲۳ مورد (۲/۷۳٪) بوده است. این امر نشان می‌دهد در گفتمان دادگاه، حضار بیشترین همکاری را برای تمرکز روی موضوعات مطروحه داشته‌اند ولی درستی کافی در اظهارات دادگاه دیده نشده زیرا اصل کیفیت در پایین‌ترین حد خود نشان‌دهنده موارد ضدونقیض فراوان و اطلاعات غلط در مکالمات طرفین بوده است. در اصل شیوه/سبک و کمیت نیز بسامد نسبتاً بالاست که نشان‌دهنده پیروی متوسط از این دو اصل است.

جدول ۳- تخطی از اصول همکاری گرایس (۱۹۷۵) در گفتمان دادگاه حمله به مجلس شورای اسلامی و حرم مطهر امام خمینی (ره)

اصول همکاری	مجموع	اصل کمیت	اصل کیفیت	اصل ارتباط	اصل شیوه/سبک
تخطی از اصول	فراوانی ۴۱۶	۲۰۱	۱۸	۸۵	۱۱۲
همکاری گرایس	درصد ۱۰۰	۴۸/۳۲	۴/۳۳	۲۰/۴۳	۲۶/۹۲

جدول ۳ حاکی از آن است که تخطی از اصل کمیت بیشترین بسامد (۲۰۱ مورد، ۴۸/۳۲٪) و کیفیت کمترین بسامد (۱۸ مورد، ۴/۳۳٪) را داشته‌اند. به عبارت دیگر بیشترین تخطی در میزان لازم کلام بوده است. یعنی یا بیش از حد یا کمتر از حد لازم قضات و متهمان در قانع کردن طرف مقابل

صحبت نموده اند. اصول کمیت بیشترین تخطی و کیفیت کمترین تخطی را داشته است. اصل ارتباط و شیوه یا سبک از تخطی کمتری برخوردار بوده‌اند که نشان می‌دهد حصار در این خصوص کمتر دچار انحراف شده‌اند.

جدول ۴- مقایسه جمعی اصول همکاری گرایس (۱۹۷۵) در گفتمان دادگاه حمله به مجلس شورای اسلامی و حرم مطهر امام خمینی (ره)

اصل شیهه/سبک	اصل ارتباط	اصل کیفیت	اصل کمیت	مجموع		اصول همکاری
۳۸۳	۴۱۳	۴۱	۴۱۹	۱۲۵۶	فراوانی	اصول همکاری
۳۰/۴۹	۸۴/۳۲	۳/۲۶	۵۳/۳۳	۱۰۰	درصد	گرایس در دادگاه

جدول ۴ نشان می‌دهد در مجموع فراوانی وقوع کل اصول کمیت ۴۱۹، کیفیت ۴۱، ارتباط ۴۱۳ و شیوه/سبک ۳۸۳ است که از این تعداد اصل کیفیت کمترین بسامد را با ۳/۲۶ درصد نشان می‌دهد ولی سه اصل دیگر تقریباً مساوی هستند و اختلاف چشمگیری ندارند. به عبارت دیگر، در گفتمان دادگاه صحت و درستی مکالمات قابل راستی‌آزمایی نبوده و متهمان بیشترین سرپیچی را از اصل کیفیت در مکالمه داشته‌اند. معمولاً اطلاعات لازم از فرد مظنون یا متهم در پرونده قرار می‌گیرد و سپس متهم در دادگاه موارد بیان‌شده در پرونده را تکذیب یا در دفاعیات ضدونقیض صحبت می‌کند. در مجموع، باید نتیجه گرفت که قضات، معاون دادستان و خانواده شهدا بیشتر از متهمان از اصول چهارگانه گرایس پیروی کرده‌اند که این پیروی بیشتر در اصل ارتباط بوده است و بالاترین تخطی مربوط به متهمان بوده که در اصل کمیت رخ داده است.

۵ نتیجه‌گیری

فهم درست و پردازش مناسب گفتمان دادگاه برای برقراری ارتباط دوجانبه بین طرفین مکالمه امری ضروری به‌شمار می‌رود. در ارتباط با پرسش اول پژوهش در خصوص رعایت اصول همکاری گرایس در دادگاه حوادث تروریستی توسط قاضی، معاون دادستان، خانواده شهدا و متهمان، نتایج حاکی از آن است که میزان پایبندی افراد به اصول گرایس و قواعد مکالمه بیشتر از تخطی از این اصول بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بیشترین پیروی از اصل ارتباط و کمترین آن در اصل کیفیت رخ داده است. به بیان دیگر، افراد در دادگاه با اینکه روی موضوع دادگاه، یعنی ترور، هماهنگ بوده‌اند و انحراف در اصل موضوع نداشته‌اند ولی با ضدونقیض‌گویی‌ها و دلایل غیرصحیح اصل

کیفیت را نقض کرده‌اند. اصل کیفیت ازسوی کل حضار و به‌خصوص متهمان بیشتر نقض شده است که سعی در گمراه‌کردن دادگاه و جریان دادرسی داشته‌اند. نتایج همچنین نشان داد که بیشترین تخطی در اصل کمیت و کمترین در اصل کیفیت بوده است. به‌بیان دیگر، حضار در توضیح موضوعات مورد بحث یا اطلاعات اضافی یا کم داده و اصل کمیت را نقض کرده‌اند. درمورد اصل کیفیت، چه در پیروی و چه در تخطی، مطالعه به‌طور کمی صورت گرفته است که نشان‌دهنده عدم کیفیت لازم در مکالمات دادگاه بوده است. به‌عبارت دیگر، بسامد کیفی مکالمات دادگاه بسیار پایین بوده است که میزان تخطی و پیروی تقریباً پایین‌ترین بسامد را داشته‌است.

تجزیه و تحلیل فوق نشان می‌دهد که باید تأثیر تغییرات بافت زبانی و غیرزبانی را در جریان مکالمه در نظر گرفت. رعایت مسائل اخلاقی در مکالمات در کل فرآیند دادگاه، جزء لاینفک هر الگوی ارتباطی است و افراد بایستی معیارهای اخلاقی و ارزش‌های مورد قبول جامعه را محترم بدانند و از آنها پیروی کنند. این نکته با نظر سبحانی و ثقفی (۲۰۱۴) انطباق دارد که مرحله بازجویی و مستندسازی به‌عنوان پیچیده‌ترین مرحله دادرسی و رکن اساسی تحقیقات کیفری و جنایی است. این امر به‌منظور تطبیق اطلاعات به‌دست‌آمده با اظهارات مظنون و اخذ اعتراف از او انجام می‌شود. بررسی‌ها نشان داد که با اعمال فشار می‌توان مسیر بازجویی و پرسش و پاسخ را به‌خوبی پیش برد. قضات از لحن تهدیدی با صدای بلند استفاده می‌کردند تا روی متهمان تأثیر بگذارند؛ زیرا به‌نوعی باعث ایجاد ترس در آنها می‌شود. همه متهمان سعی داشتند از تغییر موضوع و راهبردهای انتقالی در مکالمات خود استفاده کنند.

رعایت اصول همکاری گرایس در گفتگو، سطح توانش ارتباطی و گفتاری افراد در تعاملات حقوقی را بالا می‌برد. زیرا بدون مشارکت ارتباطی، تعامل مختل می‌شود. متهمان بیشتر نوبت‌گیری در مکالمه را رعایت می‌کردند. تخطی آنها از اصول گرایس هدفمند و به‌دلیل انتقال افکار و نظرات خود به قاضی، معاون دادستان و خانواده شهدا بود تا بتوانند پاسخ قابل‌قبولی به جرائم مرتکب‌شده خود بدهند. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های عباس‌زاده، گرجیان و ویسی (۱۳۹۹) همسو است که معتقدند کارگفت‌ها و کنش‌های اجتماعی بخشی از ویژگی‌های بافت کلام هستند که معنای نهفته و ضمنی را در خود دارند و با تفسیر و استنتاج مخاطبان در گفتار کشف می‌گردند. پابندی یا تخطی از اصول ادب، کمیت، کیفیت و ارتباط یا شیوه/سبک نشان از دانش زمینه‌ای و دنیای پیرامون افراد دارد. پرسش دوم تحقیق در خصوص بررسی تخلف از یک یا چند اصل همکاری گرایس در مکالمه قاضی، معاون دادستان، خانواده شهدا و متهمان در فرایند گفت‌مان حقوقی بود. از آنجا که حضار در

دادگاه در رسیدن به اهداف ارتباطی خود نمی‌تواند مستقل عمل کنند، پس به‌طور متقابل باهم مشارکت دارند و در کاربرد اصول همکاری، مهارت‌های زبانی خود را به‌شیوه‌ای جامعه‌پسند یا جامعه‌ستیز دارند. به همین دلیل، متهمان با ذکر اظهارات نادرست و گفتار نامرتب از گفتن حقیقت طفره می‌روند تا پرسش قاضی را به انحراف بکشانند ولی قاضی جلسه با در نظر گرفتن زمان و شرایط مکالمه، تبادل اطلاعاتی آنها را کنترل می‌کند و با پرسش‌های مختلف و مکرر آنها را به چالش می‌کشاند. صراحت کلام به‌کارگرفته شده توسط قضات به این خاطر است که متهمان از پاسخ‌دادن به‌طور مبهم و نامشخص امتناع کنند و وضوح کلامی داشته باشند. در این بخش متهمان تلاش در بالابردن کمیت و پایین‌آوردن کیفیت مکالمه دارند. این یافته با افشار (۱۳۸۷) هماهنگی دارد که متهمان سعی دارند حقیقت را انکار و صحبت را منحرف کنند. قضات با کاربرد جملات با ابهام معنایی در سطح جملات در جلسات دفاعیه می‌خواهند حقیقت یا دروغ گفتار متهمان را کشف و وانمود کنند که اطلاع چندانی از موضوع ندارند. این موضوع موجب تخطی از اصل شیوه (سبک) می‌شود که تأکید دارد باید از ابهام‌گویی پرهیز شود. قضات با این کار می‌خواهند اثبات یا انکار گفته‌های متهمان مشخص شود. نتایج این پژوهش با آیسره^۱ و رازلینا^۲ (۲۰۱۸) تطابق دارد که متهمان در شروع جلسات دفاعیه، حاضر به پذیرفتن جرائم خود نیستند. در برخی موارد، با نقض اصل ارتباط در مقابل قضات مقاومت می‌کنند و حقیقت را با نقض اصل کیفیت کتمان می‌کنند و سعی در طفره‌روی و بی‌گناه جلوه‌دادن خود دارند. ولی این مورد هم مانع انجام مسئولیت قاضی نمی‌شود. زیرا قضات در برابر مقاومت و طفره‌روی متهمان همچنان پرسش‌های خود را تکرار می‌کنند که موجب تخطی از اصل کمیت می‌شود.

نوع تخطی از اصول همکاری و دلیل سرپیچی از آنها به ماهیت پیچیده گفتمان حقوقی بستگی دارد که نشان می‌دهد بافت روان‌شناختی و موقعیتی در تبادل گفتاری افراد در اماکن قضایی عوامل مهمی در انتخاب این اصول هستند تا در اثبات جرم یا رد اتهام راهگشا باشند. همچنین یافته‌های حاضر با نظرات جیا (۲۰۰۸) هماهنگ است که دریافت تخطی افراد چینی‌زبان از اصول همکاری در مکالمات ضروری است تا نگرش‌های غیر مشارکتی افراد را به یکدیگر منتقل کنند. آلباجونز (۱۹۹۵) معتقد بود که در طعنه و طنز کلامی، گوینده می‌تواند چهار اصل همکاری را زیر پا بگذارد تا فرد از طریق رفتار انتقادی، به مقاصد ارتباطی خود نائل آید.

با توجه به تفاوت‌های زبان روزمره و زبان حقوقی، باید در تعریف قواعد حاکم بر مکالمه در بافت دادگاه با کمک زبان‌شناسی حقوقی دقت شود. آنچه در ارتباطات میان فردی مهم است، نقش و کارکردی است که عناصر در گفتمان ایفا می‌کنند. زبان حقوقی، به‌واسطه چگونگی و نوع کاربرد واژگان در جمله و گفتمان، شکل خود را حفظ می‌کند. شخصیت قدرتمند قاضی ایجاب می‌کند که از مهارت‌های ارتباطی مختلفی در ارتباط با شهود و متهمان بهره بگیرد. داشتن مهارت‌های ارتباطی مناسب توسط متهمان، بروز رفتارهای انحرافی از اصول چهارگانه گرایس را کمتر می‌سازد. نتایج این پژوهش با دیویس (۲۰۰۷) هماهنگی دارد که مشاوره مناسب با زبان‌شناسان حقوقی و قضایی می‌تواند به حل مشکلات گفتمانی و ارتباطی افراد در محاکم قضایی منجر شود و حتی فرصت‌هایی را برای رشد و تغییر الگوی رفتاری آنان فراهم نماید.

۶ محدودیت‌های پژوهش

هر پروژه تحقیقاتی به‌طور معمول در یک چارچوب محدود انجام می‌شود و دارای مشکلات و کاستی‌هایی است. حدود یک کار تحقیقاتی گاه به‌واسطه هدفی است که محقق دنبال می‌کند، گاه به‌واسطه کمبود امکانات، اطلاعات یا منابع در دسترس است. اولین و مهم‌ترین محدودیت این پژوهش کمبود آثار پژوهشی بینارشته‌ای مشابه در حیطه زبان‌شناسی حقوقی و در دسترس نبودن منابع به‌روز و کافی و فراهم نبودن شرایط برای دسترسی به تمام فایل‌ها و گفتمان‌های موجود و عدم امکان ضبط جلسات دفاعیه و محاکمه بود. به‌ناچار از چندین فایل تصویری مرتبط با پرونده‌های کیفری مختومه در برنامه ۳۰:۲۰ صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و درگاه آپارات در این تحقیق استفاده کردیم. دومین محدودیت پژوهش، شامل در دسترس نبودن فایل‌های تصویری مربوط به گفتمان برخی شهود در دادگاه به‌دلایل امنیتی بوده است که به‌خودی خود می‌توانست اطلاعات دقیق‌تری را به پژوهش ما بیفزاید. برای کسب نتایج کارآمدتر در مطالعه نقش زبان‌شناسی حقوقی در ارتباطات اجتماعی، بهتر است از بازپرسان، کارآگاهان، افسران پلیس، ضابطان قضایی و شهود استفاده شود.

بی‌تردید در چارچوب رویکرد زبان‌شناسی حقوقی، می‌توان فصل جدیدی در مطالعات حوزه زبان‌شناسی کاربردی گشود. این حوزه می‌تواند گشاینده مسیری نوین در بهره‌جویی بیشتر از رویکردی میان‌رشته‌ای در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی و مخصوصاً آسیب‌شناسی جرم در محاکم قضایی باشد. نتایج این تحقیق می‌تواند به قضات، بازپرسان، ضابطان قضایی، روان‌شناسان، مشاوران قضایی، نیروی پلیس و کارآگاهان در درک بهتر جرم به‌واسطه راهبردهای زبانی و ارتباطی

کمک شایانی کند. با این حال، نقش زبان در تعاملات حقوقی، دامنه مطالعات گسترده‌تری را می‌طلبد. از آنجا که نوع جرم هم در روابط کلامی و رفتاری تأثیرگذار است، هرگونه حرکت به سمت وضعیت مطلوب، نیازمند شناخت دقیق و واقع‌بینانه از وضعیت موجود است؛ ابتدا پیشنهاد می‌شود نظام و فرهنگ رفتاری رایج محاکم قضایی در حوزه گفتمان کلامی، نوشتاری و غیرکلامی و موقعیتی در تعاملات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی با استفاده از روش‌های علمی به‌دقت آسیب‌شناسی شود و به‌صورت کلان مورد بازنگری، ارزیابی و تحلیل جدی قرار گیرد.

منابع

- افشار، ترنم (۱۳۸۷). «کاربرد زبان‌شناسی قانونی در تحقیقات جنایی». مجله کارآگاه. د ۲، ش ۳، ۱۶-۶.
- رضویان، حسین و مریم جلیلی دوآب (۱۳۹۶). «تحلیل ویژگی‌های زبانی افراد کلاهبردار: مطالعه موردی استان سمنان». مجله زبان و زبان‌شناسی. د ۱۳، ش ۲۶، ۱۳۳-۱۶۳.
- عباس‌زاده، فرنگیس، بهمن گرجیان، الخاص ویسی و مهران معماری (۱۳۹۹). «تأثیر گفتمان حقوقی بر کاربرد واژگان در دادگاه مدنی براساس طبقه‌بندی روابط مفهومی». مجله پژوهش‌های حقوقی (فصلنامه علمی). د ۱۹، ش ۴۴، ۳۲۵-۳۴۴.
- عباس‌زاده، فرنگیس، بهمن گرجیان و الخاص ویسی (۱۳۹۹). «تحلیل نشانگرهای کلامی و سبکی در گفتمان». زبان فارسی و گویش‌های ایرانی. د ۵، ش ۲، ۲۳۱-۲۴۴.
- یل شریزه، رضا و رویا منصفی (۱۳۹۹). «بررسی چگونگی مواجهه گفتمانی وزارت بهداشت ایران با شیوع ویروس کرونا به‌مدد مدل تحلیل گفتمان فرکلاف (۱۹۸۹)». پژوهش‌های زبان‌شناسی. د ۱۲، ش ۱، ۱۵۳-۱۷۶.

- Alba Juez, L. (1995). "Verbal irony and the maxims of Grice's cooperative principles". *Revista Alicantina de Estudios Ingleses*. 8, 25-30.
- Ayasreh, A. & R. Razlina (2018). "The flouting of Grice's conversational maxim: Examples from Bashar Al-Assad's interview during the Arab Spring". *IOSR Journal of Humanities and Social Science*. 5, 43-47.
- Berk-Seligson, S. (2002). *The Bilingual Courtroom: Court Interpreters in the Judicial Process*. Chicago: University of Chicago Press.
- Brown, P. & Levinson, S. (1976). *Politeness: Some Universals in Language Use*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ceballos, C. T. & R. V. Sosas (2018). "On court proceedings: A forensic linguistic analysis on maxim violation". *Journal of Nusantara Studies (JONUS)*. 3(2), 17-31.
- Chierchia, G. & S. McConnell-Ginet (1990). *Meaning and grammar: An Introduction to Semantics*. Cambridge, MA: MIT Press. Cambridge.

- Cotterill, J. (2002). "Just one more time... ' Aspects of intertextuality in the trials of O. J. Simpson". *Language in the Legal Process*. J. Cotterill (Ed.), Hampshire: Palgrave Macmillan, 147-161.
- Davies, B. L. (2007). "Grice's cooperative principle: Meaning and rationality". *Journal of Pragmatics*. 39, 2308-2331.
- Davis, T. (1996). "Clues and opinions: Ways of looking at evidence". *Recent Developments in Forensic Linguistics*. H. Kniffka, R. M. Coulthard, & S. Blackwell (Eds.), Frankfurt: Peter Lang, 53-73.
- Grice, H. P. (1975). "Logic and Conversation". *Syntax and semantics (Vol. 3): Speech Acts*. P. Cole & J. Morgan (Eds.), New York: Academic Press, 41-58.
- Gumpers, J. (1982). *Discourse Strategies*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jia, L. I. (2008). "The violation of cooperative principle and the four maxims in psychological consulting". *Canadian Social Science*. 4, 87-95.
- Jönsson, L. & P. Linell (1991). "Suspect stories: Perspective setting in an asymmetrical situation". *Asymmetries in Dialogue*. I. Markovà, & K. Foppa (Eds.), Hemel Hempstead: Harvester Wheatsheaf, 75-100.
- McMenamin, G. R. (2002). *Forensic Linguistics: Advances in Forensic Stylistics*. New York: CRC Press.
- Mohammadzadegan Khoyi, A. & B. Behnam (2014). "Discourse of law: analysis of cooperative principles and speech acts in Iranian law". *Asian Journal of Education and e-Learning*, 2(4), 312-322.
- Thomas, J. (1997). *Conversational Maxims: Concise Encyclopedia of Philosophy of Language*. New York: Pergamon.
- Sarangi, S. K. & S. Slembrouck (1992). "Non-cooperation in communication: A reassessment of Gricean pragmatics". *Journal of Pragmatics*. 17, 117-154.
- Searle, J. (1975). "Indirect speech acts in syntax and semantics" Vol 3. *Speech Acts*. In P. Cole and J. L. Morgan (Eds.), *Pragmatics: A reader* (pp. 59-82). New York: Academic Press.
- Sobhani, A. & S. Saghefi (2014). "The violation of cooperative principles and four maxims in Iranian psychological consultation". *Journal of Modern Linguistics*. 4, 91-99.
- Sperber, D. (1984). "Verbal irony: Pretense or echoic mention?". *Journal of Experimental Psychology*. 113, 130-36.
- Sperber, D., & Wilson, D. (1995). *Relevance: Communication and cognition* (2nd Ed.). Oxford: Blackwell.
- Widdowson, H. G. (1995). "Discourse analysis: A critical view". *Language and Literature*. 4, 157-172.